

در موسیقی ایران

-۸-

همنوازی (Ensemble)

در موسیقی شرقی همواره تک نوازی اهمیت خاصی داشته. هنگامی که داستانهای کهن موسیقی ایران را مطالعه می کنیم بدرستی متوجه این موضوع می شویم چه همه جا سخن از این است که نوازنده ای با ساز خود تنها نواخته و یا همراه آواز خود هنرنمایی کرده است و در بسیاری از موارد چنان خوب از عهده این کار برآمده که در خاطر شنونده اثری نیکو گذاشته و او را شیفته و مجذوب هنر خود کرده و کمتر سخن از نواختن گروهی یا همنازی و اجرای دسته جمعی شده است ولی با جستجوی اوراق کتابهای قدیم چند نمونه از این نوع موسیقی نیز بدست می آید.

در نقش برجسته طاقستان کرمانشاهان که از آثار دوره ساسانی است چند زن چنگ زن در قایقی نشسته اند و بنوازندگی مشغولند و پیداست که نوازندگی آنها صورت اجتماعی داشته است. در نقاشیهای تالار چهل ستون اصفهان که یادگار دوره صفوی است، جمعی نوازنده دیده میشوند که کمانچه و عود و سنتور و نای و دف میزنند و نوعی از ارکستر مجلس بزم را نشان میدهند. در اغلب مینیاتورهای که در کتابهای خطی قدیم کشیده شده نوازندگان بحال اجتماع بچشم می آیند.

بنابر نوشته مولف تاریخ عضدی «بازیگرها که بحسب تعداد متجاوز از پنجاه بودند سپرده به استاد مینا و استاد زهره بود و در حقیقت دودسته بودند که باتمام اسباب طرب از تار و سه تار و کمانچه و سنتور و ضرب و

خوانندگان ورقاصان نصف در دسته زهره و نصف در دسته مینا خوانده میشدند. « (۱)

اوژن فلاندن فرانسوی که در زمان محمدمشاه قاجار بایران آمده در سفرنامه خود مینویسد: «ایرانیانی که بسیار دولتمندند بسر نهار دوسه مطرب میآورند... سازهایی که با این آواز همراهست يك دایره زنگی است، يك چنگ (مقصودش تار است) و يك نوع ویولن که آنرا کمانچه می گویند.» (۲)

محمدمحسن خان اعتمادالسلطنه که وقایع روزانه دربار ناصرالدین شاه را در پانزده سال آخر عمرش نوشته و یادداشت های سه سال آن بنام «وقایع دربار» بچاپ رسیده مکرر از دسته نوازندگان که برسم آن زمان «عمله طرب» نامیده میشدند نام برده است. از جمله مینویسد: «در قصر قاجار بعد از نهار شاه مارا خواست. وارد باغ شدیم. عمله طرب بودند...» در جای دیگر مینویسد: «شش به غروب مانده وارد سلطنت آباد شدیم. در سرقنات آفتاب گردان زده بودند. شاه نهار خوردند. عمله طرب خبر کرده بودند. از شهر آمدند. زیر درخت های آلبالو که تازه شکوفه کرده بود شاه نشست قدری ساز زدند.» (۳)

دوستعلی معیرالممالک مینویسد: «در روز آش پزان، میان سفره تنی چند از خواص نوازندگان جا می گرفتند... ملک الشعراء بیتی چند... خوانده... آنگاه نوازندگان آهنگ عراق و حجاز کرده باصفهان باز می گشتند.» ۴

«ادوارد برون» مینویسد: «میزبان برای سرگرمی مهمانها هیئت ارکستر هم می آورد و این هیئت جز در مهمانیهای بزرگ درباری مرکب از سه نفر است که یکی از آنها تار میزند و دیگری طبلعی موسوم به دنیک

۱ - تاریخ عضدی تألیف احمد میرزا عضدالدوله پسر فتحعلیشاه قاجار که وصفی از زمان او یعنی دوره محمد شاه و فتحعلیشاه قاجار است.

۲ - سفرنامه اوژن فلاندن - ترجمه حسین نور صادقی - چاپخانه روزنامه نقش جهان - چاپ سال ۱۳۲۶ هجری شمسی.

۳ - کتاب وقایع روزانه دربار ناصری - صفحات ۸۸-۹۲

۴ - یادداشت های از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه صفحه ۱۴۷

را مینوازد و سومی آواز میخواند» (۱)

« بنا به نوشته معیر الممالک در اواخر دوره ناصرالدین دو دسته مطرب بوده‌اند که یکی را دسته «کورها» و دیگری را دسته «مؤمن» مینامیدند. دسته کورها مرکب بود از چهار مرد و دو زن. رئیس آنها «کریم» نام داشت و تار و کمانچه میزد. سه مرد دیگری یکی ضرب می‌گرفت و دو تن دف میزدند. دختر کریم کمانچه می‌کشید. زن دیگر هم میخواند و در علم موسیقی و درست خواندن مہارت داشت. او را دودختر بود که یکی ارگ دستی مینواخت و دیگری میرقصید. مادرشان هم ضرب می‌گرفت» (۲)

معیر الممالک از چند دسته نوازندگان زنانه دیگر هم صحبت میکند بنام دسته «گل رشتی»، دسته «طاوس» و دسته «ماشاءالله» که آنها نیز در اواسط بهار روزی که شاه با زنها و دختران و خانمهای شاهزادگان در قصر قاجار بودند و آتش رسته می‌پختند نوازندگی میکردند (۳)

اوژن فلاندن در سفرنامه خود از مجلس انس ملک قاسم میرزا چنین حکایت میکند:

«در تمام مدت صرف غذا آهنگهای موسیقی و رقص رقاصان ادامه داشت. نوازندگان با ستمهای کمانچه کش از خانمها بودند. یکی از سازها کمانچه بود که از استخوان ماهی ساخته شده و دسته درازی با سه سیم داشت. در کنارش زنی با مضراب فلزی چنگ (تار) مینواخت. زنی دیگر تنبکی کوچک در زیر بازوی چپ داشت که با دو دست مینواخت و زن دیگری دایره میزد» (۴)

درعکس‌هایی که از دوره ناصرالدین شاه باقی مانده و در بعضی از کتابها چاپ شده هیئت نوازندگان درباری زیاد هستند که معلوم میشود در مجالس انس درباری بهیئت اجتماع نوازندگی میکردند. مانند عکسی که از محمد صادق خان (سنتور) - اسماعیل خان (کمانچه) - و آقا غلامحسین

۱ - کتاب يك سال درمیان ایرانیان - صفحه ۱۱۵

۲ - کتاب معیر الممالک صفحه ۳۹

۳ - کتاب معیر صفحه ۱۳۴ - ۱۳۶

۴ - سفرنامه اوژن فلاندن - صفحه ۶۹

(تار) با عده‌ای از بازیگران هست که اصل آن تابلو نیست که در سال ۱۳۱۰ ه. ق. کشیده شده است و در موزه گلستان موجود است.

عکس دیگری از حسن سنتور خان - آقا مطلب (کمانچه) - میرزا عبدالمولی و آقا غلامحسین (تار) و محمدصادق خان (سنتور) دیده میشود که چند خواننده هم پشت سر آنها ایستاده اند (۱)

عکس دیگریست از حسین کریم کور و آقاخان (کمانچه) - محمدصادق خان (سنتور) - آقا حسیقلی و میرزا عبدالله (تار) و چند نوازنده دیگر (۲) «تاورنیه» که در زمان صفویه در ایران بوده است در کتاب خود

از مجلس عیش پادشاه گفتگو میکنند و مینویسد:
 «شاه خواست موزیک خود را بما بشنوند که مرکب بود از ساز و آواز. این سازها به آلات موسیقی ما بی شباهت نیستند. یک قسم چنگ است و یک گیتار (بربط) و یک سنتور کوچک و دوسه نی کلفت.» (۳)

باری آنچه مسلم است در دوران گذشته از کستر ایرانی عبارت بوده است از چند نوازنده که گاه بهیئت اجتماع وزمانی تک تک نوازندگی میکردند ولی شک نیست که هم آهنگی در کار نبوده و اگر هم باهم مینواخته‌اند همه یک نغمه یا لحن را میزدند و ضرب (تنبک) و دف در واقع اکمپانیمان را تشکیل میداده است. قسمت‌های ضربی که چند نوازنده میتوانستند باهم بنوازند در سالهای اخیر که از آن بیشتر باخبریم «پیش درآمد» و تصنیف و رنگ بوده است که پیش در آمد از آن دو نوع دیگر جدیدتر است. رنگها و تصنیف‌ها سابقه بیشتری دارند. یک دسته از رنگها حتی در ردیف قدما هم دیده میشود مانند ضرب اصول (۴) در شور

۱- جلد اول کتاب سرگذشت موسیقی ایران تالیف نگارنده صفحه ۶۵

۲- سرگذشت موسیقی ایران - صفحه ۱۳۲

۳- سفرنامه تاورنیه - صفحه ۷۲۹

۴- ضرب اصول وزن خاصی داشته که سابقه بسیار قدیم دارد چنانکه سعدی گوید:

بدوستی که ز دست تو ضربت شمشیر

چنان موافق طبع آیدم که ضرب اصول

و حافظ گوید:

بقول و غزل قصه آغاز کن

مغنی نوای طرب ساز کن

بضرب اصولم بر آور ز جای

که بار غمم برزمین دوخت پای

حربی ماهور - رنگ دلگشا در سه گاه - لزگی و حاشیه در چهار گاه -
رنگ فرح در همایون - فرح انگیز در اصفهان و شهر آشوب در شور و
چهار گاه .

در اوایل دوره مشروطه که اجتماعات آزاد شد در تهران بتشویق
صفا علی ظهیر الدوله مرشد درویشان اخوان صفائی در جشن تولد حضرت
علی علیه السلام که مصادف با روز سیزدهم ماه رجب بود، مجلس بزرگی در
انجمن اخوت برپا میشد و وسائل تفریح برای شرکت کنندگان فراهم میشد که
از آن جمله « کنسرت » بود . رئیس ارکستر غلامحسین درویش بود و
بهترین نوازندگان و خوانندگان زمانه در این کنسرت شرکت میکردند .
گویند گاهی هیئت ارکستر به بیست نفر هم میرسید . تصنیف معروف
« مولود نبی » که آهنگ و شعر آن را علی اکبر شیدا ساخته است نغمه
خاص این جلسه بود که با این اشعار آغاز میشد:

مولود نبی محبوب خداست	زین حسن ظهور عیش فقر است
نازم بچنین بزمی که بیاست	با هم بصفا سلطان و گداست
به به چه شهی	به به چه وفا
به به چه شهی	به به چه گدا...

انجمن اخوت سرودی هم داشت که در آغاز کنسرت نواخته میشد
ولی باشعر توأم نبود و آهنگ آن در مایه دشتی بود .
پس از آنکه « باقراوف » در خیابان لاله زار مهمانخانه ای بنام
« گراند هتل » بنا نمود و در جنب آن تالار نمایشی احداث کرد کنسرت
هائی در این تالار داده میشد که موسیقی دانهائی چون درویش و عارف
از پیشقدمان آن بودند . بر نامه این کنسرتها از پیش در آمد و آواز و تصنیف
و رنگ تشکیل میشد که قسمت های ضربی را هیئت ارکستر بطور دسته جمعی
می نواختند . بتدریج سازهای اروپائی نیز به این ارکسترها اضافه شد مانند
پیانو و ویولن باین ترتیب که ارکستر تشکیل میشد از يك دسته نوازندگان
ویولن و کمانچه و يك دسته نوازندگان تار و يك نوازنده پیانو و يك
نوازنده تمپک .

بعضی از دستجات موزیک نظام هم ارکستر سازهای آرشه ای داشتند
که علاوه بر اجرای آهنگهای اروپائی گاه نغمات ایرانی نیز می نواختند

و آهنگهای وطنی این ارکستر را افسران موزیک نظام تنظیم و با هارمونی مختصری اجرا میکردند. در موزیکهای بادی نظامی هم علاوه بر مارشها و آهنگهای اروپائی نغماتی از موسیقی ملی در پرده های ماهور و اصفهان و چهارگاه نواخته میشد و این نغمات اولین نمونه هائیکست که با هارمونی مختصر از موسیقی ایرانی در ارکستر اجرا شده است.

در جشن فارغ التحصیلی مدرسه موزیک نیز که سالی یکبار تشکیل میشد هیئت ارکستر مدرسه مزبور نغماتی مینواختند که از جمله در سال ۱۳۰۵ هیئت ارکستر مدرسه پیش درآمد ماهوری را که سالار معزز برای ارکستر هارمونیزه کرده بود نواخت و نگارنده که در میان تماشاچیان حضور داشته آنرا استماع کرده است.

موضوع هارمونی هنوز بگوش ایرانیان آشنا نبود و درست آنرا درک نمی کردند. از سال ۱۳۰۲ که آقای علیشقی وزیر مدرسه عالی موسیقی را تأسیس کرد و از سال بعد هیئت ارکستر آن مدرسه تشکیل شد و انجمنی بنام «کلوب موزیکال» در آن مدرسه آغاز شد در هفته يك شب که هیئت ارکستر مدرسه برای اعضای کلوب نوازندگی میکردند، ساخته های وزیری را که هارمونیزه شده بود مینواختند و اولین کنسرت های عمومی آن مدرسه از سال ۱۳۰۴ آغاز شد و چند سال ادامه داشت. سازهای این ارکستر نیز عبارت بود از ویولن - ویولن سل - کنترباس - فلوت و انواع تار.

درین موقع وزیری ابتکاری کرد و چند نوع تار را در ارکستر وارد کرد: تار کوچکتار از تار معمولی بنام «تاسپرانو» که يك پنجم از تار معمولی زیرتر بود و دو تار دیگر با سیمهای روده ای بنام آلتو و باس که یکی يك پنجم از تار معمولی بم تر و دیگری يك هنگام پایین تر از تار كوك میشد.

وزیری چند «دوئت» برای دونوازنده تار نوشت که بعضی از آنها در کتاب دستور تار چاپ شده است و يك «تربو» هم برای تار - تار آلتو و تار باس نوشته است که در همان زمان چندبار اجرا شده ولی بچاپ نرسیده است.

پس از آنکه مدرسه موزیک تبدیل بمدرسه موسیقی دولتی شد و وزیری رئیس آن گردید در ارکستر آن مدرسه که از سازهای مختلف اروپائی و ملی تشکیل می گردید، گاه بگاه آهنگهای ایرانی هم که بیشتر از تصنیفات

وزیری بود نواخته میشد. این مدرسه بعد تبدیل بهنرستان موسیقی گردید و از زمانی که ریاست آن با آقای غلامحسین مین باشیمان شد دیگر توجهی بموسیقی ملی در آن بعمل نیامد و بعدها که ارکستر آن توسعه یافت و هنرستان عالی موسیقی شد، چون درحقیقت نمونه کنسرواتوار ایران شد ارکستر آن هم بسبب کاملاً غربی در آمد و همیشه آثار موسیقی کلاسیک خارجی را اجرا میکرد، تا اینکه چندسال قبل ارکستر سمفونیک واحد مجزائی شد و ارکستر هنرستان که محدود بهنرجویان است جنبه ارکستر آموزشی هنرستان را پیدا کرد.

پس از تأسیس انجمن موسیقی ملی در سال ۱۳۲۳ ارکستری نیز در آن انجمن تشکیل شد که قسمتی از آهنگها را با هارمونی مینواخت و بعد از چندسال که از تأسیس هنرستان موسیقی ملی گذشت، ارکستر آن هنرستان بصورت کاملتری تشکیل شد و نواختن آهنگهای موسیقی ملی را مخصوصاً از سال ۱۳۳۲ که چهارسال از تأسیس آن هنرستان گذشته بود ادامه داد.

طولی نکشید که هنرهای زیبای کشور تصمیم گرفت ارکسترهایی تشکیل دهد که از واحدهای آن اداره باشد مانند ارکسترهایی که ابوالحسن صبا - علیمحمد خادم میثاق - حسن راد مرد و احمد فروتن راد رهبری می- میکردند و بعدها ارکسترهایی که آقایان دهلوی - پورتراب - کسروی و حق کردار رهبری مینمودند. در این ارکسترها علاوه بر سازهای اروپائی از سنتور و تار نیز استفاده شده است.

اما ارکستری که فقط از سازهای ملی تشکیل شده باشد نخستین بار در هنرستان موسیقی ملی بنام ارکستر تار و سه تار در سال ۱۳۳۱ شروع بکار کرد که رهبر آن آقای نصرالله زرین پنجه بود. سپس از کستر سازهای ملی برهبری آقای مهدی مفتاح در هنرهای زیبا شروع بکار کرد که علاوه بر تار و سه تار و کمانچه و عود و قانون و سنتور از غیچک هم که نوعی کمانچه قدیمی است استفاده شد و چندی پیش ارکستر دیگری ضمن برنامه های هنرهای زیبا یک بار در تلویزیون برهبری مرحوم نصرت الله گلپایگانی نوازندگی کرد که از غیچک آلتو و باس هم که در کارگاه سازهای هنرهای زیبا تهیه شده بود استفاده کرده بودند و از کستر خوش صدای منظمی بود که نماینده زحمات رهبر آن بشمار میرفت و با درگذشت رهبر آن معلوم نیست که در آینده چه سرنوشتی خواهد داشت. شك نیست که اگر تمرین

این ارکستر ادامه پیدا کند از لحاظ هنری و مخصوصاً حفظ خصائص موسیقی ملی در ارکستر شایان اهمیت بسیار میباشد .

از لحاظ هم‌نوازی چندساز ، در سالهای قبل دو تنی برای دو سنتور از آثار آقای دهلوی شنیدم که آقایان فرامرز پایور و صفوت مینواختند که قابل تحسین بود . مخصوصاً اگر این روش ادامه یابد و کلاس هم‌نواز در هنرستان موسیقی ملی بکار خود ادامه دهد کاری درخور توجه و برای پیشرفت هم‌نوازی در موسیقی ملی کمال اهمیت را خواهد داشت .

ارکسترهای رادیو تقریباً يك صدائی است ولی ارکستر « گلها » که سابقه چندین ساله دارد و از دو سال پیش در تشکیلات آن تجدید نظر شده و دارای هارمونی میباشد . و نوازندگان این ارکستر هم اکثراً از فارغ التحصیلان هنرستانها هستند یکی از انواع ارکستر هارمونیزه موسیقی ملی است که چون نگارنده سمت رهبری و تهیه و تنظیم آهنگهای آنرا دارد و خود نباید راجع بان اظهار نظر بکنم در این قسمت اظهار عقیده باشنوندگان و اهل فن میباشد . اخیراً ارکستر دیگری هم بهمین سبک در رادیو بنام « ارکستر فارابی » تشکیل شده است .

این بود داستانی از هم‌نوازی در موسیقی ایران در گذشته و حال . بنظر نگارنده از نیم قرن باین طرف برای تشکیل ارکستر در ایران آزمایش شده و خاصه در بیست سال اخیر باندازه کافی در این باره تجربه شده و اکنون دیگر میتوان اظهار نظر کرد که ارکستر موسیقی ایرانی باید از چه سازهایی تشکیل شود و چه روشی را در پیش بگیرد . تا آنجا که دریافته‌ام اغلب اروپائیان را عقیده بر اینست که ارکستر موسیقی ایران باید فقط از سازهای ملی تشکیل شود و نغمه‌های ایرانی باید يك صدائی و بدون هم‌آهنگی اجرا شود و نظر اصلی باید حفظ خصائص موسیقی ملی باشد حال بینیم در کشورهای دیگر شرقی چه کرده‌اند . تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد یعنی یا از نزدیک دیده یا آثار ارکسترهای شرقی بعضی از ملل خاور را از رادیو یا صفحات موسیقی شنیده در بیشتر کشورهای از سازهای اروپائی هم در ارکسترهای ملی استفاده کرده‌اند . در ترکیه و سوریه و مصر علاوه بر عود و قانون و امثال آن از ویلن و ویلن سل نیز استفاده شده است . در هندوستان نیز در ارکستر بزرگی که در رادیو دهلی دیدم علاوه بر انواع سازهای هندی ، ویلن و قره‌نی و کنترباس نیز در ارکستر بود ولی بطور کلی اغلب ارکسترهای شرقی يك صدائی است و چون اکثر نوازندگان

بخط موسیقی آشنائی ندارند تمرین بسیار می کنند و در اثر همین تمرین زیاد رویهمرفته صدای ارکستر خوب است .

در اتحاد شوروی ارکسترهای مختلف از سازهای ملی در باکو - تفلیس - ایروان - عشق آباد - تاشکند - دوشنبه و سایر مراکز جمهوریهای آسیائی تشکیل داده اند و تا آنجا که دیده یا آثار آنها را استماع کرده ام در هیچیک از این ارکسترها از سازهای اروپائی استفاده نشده و تقریباً همه بدون هم آهنگی است ولی يك نمونه از ارکستر هم آهنگ را در هفت سال پیش در تاشکند شنیدم که در تالار کنسرواتوار مشغول تمرین بود . سازهای ارکستر عبارت بود از انواع کمانچه و رباب و سنتور (۱) دو تار و نی و سرنا . چهار نوع کمانچه از زیر تا بم مثل انواع ویلن در ارکستر بکار برده بودند همین طور چند قسم رباب و دو تار و غیره . این ارکستر هم آهنگی داشت و « سعید علی یف » رهبر ارکستر از روی پارتیتوری که برای تمام سازها نوشته شده بود ارکستر را رهبری میکرد و نوازندگان همه از روی نت مینواختند . صداداری ارکستر بسیار خوب بود و خاصیت محلی و ملی و شرقی آن هم در عین حال خوب حفظ شده بود و این بهترین ارکستر موسیقی شرقی است که من تا کنون شنیده ام . البته باز هم تکرار میکنم که در این ارکستر هم سازهای اروپائی بکار نرفته بود . در ایروان نیز ارکستری از سازهای ملی (شوی - دودوک - زورنا - عود و قانون و طبل) دیدم که بسیار خوش آهنگ بود و آنهم هارمونی داشت .

از طرف دیگر استفاده از سازهای ملی هم در ارکستر سمفونیک سابقه دارد چنانکه در این قسمت هم در اتحاد شوروی تار را در ارکستر سمفونیک غربی بکار برده اند و گویا اولین بار آهنگساز معروف آذربایجان شوروی « عزیز حاجی بگوف » این کار را در پارتیتور اپرا معمول کرد . نگارنده نیز در اپرای باکو این روش را از نزدیک دیده است .

بنظر نگارنده در مورد موسیقی ایرانی باید از سه نوع ارکستر استفاده شود :

۱ - ارکستری که فقط از سازهای ملی تشکیل شود و نغمات ایرانی را بدون هم آهنگی بطور يك صدائی با حفظ کامل خصائص ملی اجرا نماید .

۲- ارکستری که از سازهای مختلط غربی و ایرانی با تشکیلات صحیحی ترتیب داده شود و آهنگهای ایرانی را با هارمونی مناسب اجرا نماید نظیر ارکستر صبا و امثال آن در هنرهای زیبای کشور و ارکستر گلپا و ارکستر فارابی در رادیو البته در این نوع ارکستر هم می توان خصائص ملی موسیقی مخصوصا فواصل اختصاصی موسیقی ایرانی را حفظ نمود و با همان کیفیت طبیعی خود اجرا کرد بشرط آنکه از استعمال سازهایی که با کیفیت موسیقی ایرانی ناجور است احتراز شود.

۳ - ساختن قطعاتی روی تمهای موسیقی ملی و آهنگهای محلی و پرورش آنها و اجرایشان در ارکستر سمفونیک بسبب موسیقی علمی بدون در نظر گرفتن فواصل مخصوص موسیقی ایرانی یظیر «رنگارنگ» ساخته آقای حشمت سنجری و امثال آن. در این قسمت موسیقی دانهای تحصیل کرده ما امثال آقایان ملک اصلانیان، فریدون فرزانه، تمین باغچه بان، حسین ناصحی، مرتضی حنانه، مصطفی پور تراب و امثال آنها می توانند دست بکار شوند. البته توفیق در این امر موکول باینست که ماهی چند بار تمرین ارکستر سمفونیک را باین کار اختصاص دهند و آثار آهنگسازان ایرانی را که برای این نوع ارکستر نوشته شده اجرا نمایند و کنسرتی از این آهنگها ترتیب دهند تا همه بشنوند و موضوع آهنگسازی در موسیقی ایرانی بروش علمی ترویج شود تا هم موجب پیشرفت موسیقی ما شود و هم بتوانیم نمونه هایی از موسیقی خود را بدنیای متمدن معرفی کنیم. (دنباله دارد)